

نقش افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی اکبر گرجی *

مرتضی رضایی **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

چکیده

قانون اساسی مهم‌ترین سند قانونی یک کشور است. در ایران و در پس انقلاب ۱۳۵۷ و سقوط نظام دیکتاتوری، در پی استقرار نظامی نوین و مردمی، نظام جمهوری اسلامی برپا گشت و این پدیدار، مستلزم سندی راهبردی و ضابطه‌آور یعنی «قانون اساسی» بود. در این طی طریق در تقریر قانون مادر، افراد، احزاب و گروه‌های مختلف را بر آن داشت تا در تصویب سندی بنیادین کمر همّت بگذارند. مقاله پیش رو در پی ترسیم این مهم است که از پدیداری نخستین گام‌های شکل‌گیری قانون اساسی تا تصویب مجلس خبرگان و تأیید همه‌پرسی آن، احزاب، جمعیت‌ها، افراد و گروه‌های مختلف سیاسی و غیره، چه در متن و چه در حاشیه، چگونه و چه میزان نقش‌آفرینی نمودند. این بازه‌ی زمانی سرانجام در وهله‌ی سوم، یعنی «مقطع بازنگری» نشان آخر را بر تارک خویش اندود و متن فعلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرآیند این کشاکش‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. همان‌گونه که در این متن به فرصت نگرستن نیز خواهد رسید، در بازه‌ی دهه‌ی مزبور هرچه به پیش می‌رفت، از عیداد و گستردگی گروه‌های مختلف و متعدد کاسته می‌شد و بر دامنه‌ی چهره‌های منتسب به جریانی ویژه و خاص افزوده می‌گشت. همان‌طور که خواهیم دید در این روند حذف‌ها، غالباً احزاب، گروه‌ها و اشخاص خود نقش انکارناپذیری را ایفا نمودند و نهایتاً در مقطع بازنگری این‌بار میان گروه‌های اسلامی و مذهبی، تضارب آرا مشاهده می‌شد که البته هیچ‌گاه تفاوت و تعدد دیدگاه‌های مقاطع پیشین را متبلور نساخت.

قانون اساسی یک سند جامع، مادر و به‌منزله‌ی حافظی سترگ در پاس‌داشت از حقوق جملگی افراد موجود در کشور با سلايق و اندیشه‌های گوناگون است. بدین‌سان چنین سند متعالی و شامخی،

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). A_gorji@sbu.ac.ir
** کارشناس ارشد حقوق عمومی.

اجل از آن است که جولانگه مانیفستی گروه یا حزبی خاص باشد. در این مقاله به این مقوله‌ی مهم می‌پردازیم که چه میزان گروه‌های سیاسی در اندیشه‌ی ایفای این میزان از عدم جانبداری از موضعی خاص و پاک‌بازی در راستای حمایت از حقوق ملت برآمدند. به جهت انسجام و یک‌پارچگی، مطالب تحت سه بازه، هم از حیث زمانی و هم از جهت بازی‌گردانی افراد و گروه‌های مختلف در شکل‌گیری قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی ایران، تقسیم‌بندی شده است.

کلید واژگان: قانون اساسی، پیش‌نویس قانون اساسی، مشارکت سیاسی، مجلس خبرگان قانون اساسی، احزاب سیاسی.

مقدمه

مشارکت سیاسی^۱ نقش ویژه‌ای در مشروعیت^۲ بخشیدن به یک نظام سیاسی دارد. اصولاً در نظام‌های اسلامی، مشروعیت سیاسی، مجرا و طریق حصولی و اکتسابی نسبتاً متمایزی دارد و در توجه به آموزه‌های دینی، قبض و بسط می‌یابد.^۳ مسیر مشارکت سیاسی اما به عقیده برخی، از مسیر تعدد احزاب و مشارکت فعال تمام گروه‌ها و احزاب سیاسی گذر می‌کند.^۴ این مشارکت در بزنگاه تدوین قانون اساسی جنبه‌ای اساسی از دموکراسی و تکثرگرایی سیاسی^۵ را به منصفی ظهور می‌رساند. از این ره‌گذر، قانون اساسی می‌تواند به مثابه فصل مشترک و حلقه‌ی واسط تمام جریان‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی نقش خود را ایفا نماید. به طور کلی در سیاست مردم‌سالارانه، تکثرگرایی یک اصل راهنماست که به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با علایق و عقاید مختلف می‌انجامد و منفعت عمومی^۶ را به همراه خود خواهد داشت.^۷

1. Participation.

2. Legitimacy.

3. Lombardi, Clark B., "Designing Islamic Constitutions: Past Trends and Options for a Democratic Future", Forthcoming in International Journal of Constitutional Law, University of Washington, School of Law, Legal Studies Research Paper, No.18, 2013, p. 48.

4. Machnyikova, Zdenka & Hollo, Lanna, "The Principles of Non-discrimination and Full and Effective Equality and Political Participation", from: Political Participation of Minorities, edited by Marc Weller, Katherine Nobbs, Oxford University Press, First publication, 2010, pp. 95-96.

5. *Pluralism* as a Political Philosophy.

6. Public Interest.

7. See: Lachmayer, Konrad, "Constitutional Reasoning as Legitimacy of Constitutional Comparison", German Law Journal, University of Vienna, Department of Constitutional and Administrative Law, Vol. 14, No. 8, 2013, pp. 1470- 1478.

در تهیه و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، گروه‌ها و جریان‌های متنوعی در بدو امر مشارکت داشته و هر یک با مرامی خاص، ایده‌آل‌های خویش را از قانون اساسی در ذهن می‌پروراندند. تکثر و تنوع این گروه‌ها که از جریان‌های لیبرال و غرب‌گرا گرفته تا طرفداران نظام کمونیستی و از روشن‌فکران دینی گرفته تا سنت‌گرایان دینی گسترانیده بود، نزاع‌های فکری و جدلی مفصلی را پیرامون قانون اساسی جدید درمی‌انداخت.^۱ بر این مبنای و بر اساس روند تاریخی تدوین قانون اساسی، پژوهش حاضر مشتمل بر سه مبحث است؛ مبحث نخست معطوف به تلاش‌های احزاب و گروه‌های سیاسی در تهیه‌ی پیش‌نویس قانون اساسی می‌باشد، در مبحث دوم نیز مطالبی پیرامون این مشارکت در تدوین قانون اساسی سال ۱۳۵۸ تقریر و تشریح گردیده است و بررسی نقش و مشارکت گروه‌های سیاسی مختلف در بازنگری قانون اساسی نیز مبحث پایانی این مقاله را تبیین می‌نماید. البته نمی‌توان دقیقاً تمام حزب‌ها و گروه‌هایی را که در تصویب قانون اساسی شرکت داشتند احصا نمود. شاید به همین دلیل، برخی سال‌های اوایل انقلاب اسلامی یعنی بازه‌ی زمانی ۵۷ تا ۶۰ که در آن تصویب قانون اساسی هم به منصفی ظهور رسیده بود، را نوعی آنارشسیسم حزبی نامیده‌اند.^۲

مبحث نخست: در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی

انقلابی که به زعم مورخین، گروه‌ها و شخصیت‌های فراوانی در آن نقش‌آفرینی نمودند، منتج به این برون‌داد خواهد شد که جملگی این شخصیت‌ها و گروه‌ها نسبت به تدوین قانون اساسی، حساس باشند. هم‌زمان و پس از پیروزی انقلاب، مقوله‌ی تدوین و تهیه‌ی قانون اساسی، چه در داخل و چه در خارج از کشور تقریباً به طور هم‌زمان و با کم‌ترین ارتباطی در حال انجام بود. تدوین این پیش‌نویس‌ها، منعکس‌کننده‌ی انگاره‌های هر یک از گروه‌های سیاسی در انقلاب ۵۷

^۱ متأسفانه در سال‌های اخیر چهار تن از مهم‌ترین کسانی که در نگارش قانون اساسی نقش داشتند، یعنی آقایان حسن حبیبی، احمد صدر حاج سیدجوادی، ناصر میناچی و امیرناصر کاتوزیان دعوت ایزدی را لیبیک گفتند و شاید ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور، تنها مکتوباتی از آن واضعان نخستین قانون اساسی و نه شاهدان زنده، اتفاقات آن سال‌ها را تبیین نمایند.

^۲ اکبری، کمال، «نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۸، ص ۶۲.

ایران محسوب می‌گردد. پیش‌نویس‌های تدوین شده، طیفی از قوانین اسلامی گرت‌برداری شده از غرب تا تدوین قانون اساسی بر اساس نظام خلافت اسلامی را دربر می‌گرفت. هر کدام از این گروه‌ها نیز انتظارات خاص خودشان را از قانون اساسی پیش رو داشتند و لذا جمع کردن این تقاضاها و مصالحه بین نیروهای اجتماعی و ملحوظ داشتن تمام این خواسته‌ها در قانون اساسی به نحوی که همه‌ی گروه‌های سیاسی را اقناع کند خود مسأله‌ای علی‌حدّه بود.^۱

چارچوب‌های حقوق اساسی در این پیش‌نویس‌ها و مفروضات متصور بر هر یک نیز مستلزم مذاقه و بررسی موشکافانه است، زیرا در حالی که بخش مهمی از روشن‌فکران و حقوق‌دانان برجسته با تمسک به چارچوب‌های حقوقی بر آن بودند که قانون اساسی را به عنوان یک پدیده‌ی غربی، بومی‌سازی نمایند و با تجربه از انقلاب‌های معاصر خود به تدوین قانون اساسی بپردازند، جناح اسلام‌گرا یک‌سره آن را نادیده می‌گرفت و روشن‌فکران دینی نیز به پیوندی شکننده اکتفا می‌کردند.

ابتدا پیش‌نویسی در ایران توسط روشن‌فکران و حقوق‌دانان مسلمان ایرانی متمایل به نهضت آزادی تدوین شد که حاصل تأمل نسبت به تجارب انقلاب‌های دیگر به ویژه در جهان سوم و الجزایر بود که بعد از تدوین به دولت موقت ارائه شده و در مرحله‌ای توسط امام خمینی (ره) قرار بود به فرزندوم گذاشته شود.^۲ در یک تحلیل کلی پیرامون نخستین پیش‌نویس تهیه شده، بایست بایست آن را تلفیقی از قانون اساسی مشروطه ایران و اندیشه جمهوری‌خواهی غرب‌گرایانه و آمیزه‌ای از اندیشه‌ی نوگرایانه‌ی اسلامی دانست؛ امری که انتقاد اسلام‌گرایان را برانگیخت. با این همه، آیت‌الله طالقانی در دفاع از این پیش‌نویس می‌گوید: «افرادی که در این کار مشارکت داشته‌اند، بینش اجتماعی دارند [...] و من مطمئن هستم که قانون اساسی [تهیه شده] بسیار پیش رو و مترقی است».^۳ پیش‌نویس مذکور بسیار ساده، کلی و دارای اصول کوتاه و صریحی بود که

^۱ کاتوزیان، ناصر، «گذری بر تدوین اولین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق اساسی، شماره نخست، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۱۹.

^۲ ناصر کاتوزیان روند تدوین پیش‌نویس را این طور بیان می‌کند: «در زمان حکومت بختیار و در گرم‌ماگرم جنگ مردم و حکومت، جمعی به ابتکار نهضت آزادی در این فکر افتادند که اگر انقلاب به پیروزی رسد ناچار نیاز به قانون اساسی جدید داریم و چه بهتر که از هم اکنون پیش‌نویس آن تهیه شود و از سرگردانی و اتلاف وقت پرهیز گردد [...] و با توجه به قوانین چند کشور خارجی و از جمله الجزایر، فرانسه، شوروی و اعلامیه جهانی حقوق بشر چارچوب‌های کلی تدوین شد». کاتوزیان، ناصر، گامی بسوی عدالت، جلد نخست، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۰، صص ۲۱۵-۲۱۳.

^۳ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲.

بر بنیاد آرمان‌های ضد استبدادی با محوریت نظام پارلمانی و تفکیک قوا استوار بود و مبانی مشروعیت آن نیز بر حاکمیت مردم و عدم مغایرت با شرع اسلام بنا شده بود. ساختار اجرایی این نظام بر اساس انتخاب مستمر و مستقیم مردم به عنوان ساختاری دموکراتیک بنیان یافته بود و این ساختار مشوق نظام شورایی و غیر متمرکز بود که بعدها به طور موثری در قانون اساسی جمهوری اسلامی به خدمت گرفته شد.^۱

الف) تدوین متن پیش‌نویس در دولت موقت

بعد از پیروزی انقلاب با اصرار امام خمینی (ره) مبنی بر تسریع در روند تدوین پیش‌نویس قانون اساسی و با تصویب هیات دولت در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۸ شورای عالی طرح‌های انقلاب تاسیس گردید. به موجب ماده ۲ اساس‌نامه این شورا، یکی از وظایف آن «تهیه‌ی طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی بود».^۲

عزت‌الله سحابی در خصوص روند تدوین پیش‌نویس در شورای عالی طرح‌های انقلاب و دولت موقت می‌گوید: «در دولت موقت شورایی تشکیل شد به اسم شورای طرح‌های انقلاب که رییس آن پدر بنده بود. تحت نظر پدر من جلسات متعددی راجع به همین قانون اساسی تشکیل شد. در این جلسات از نمایندگان جناح‌ها و جریان‌های مختلف مانند دکتر سبحانی، دکتر سامی، دکتر صحت و چند نفر دیگر هم می‌آمدند. در واقع بنده هم بودم. قانون آقای حبیبی در دولت موقت مطرح شد و تغییراتی در آن دادند. تغییر عمده‌ای که من خاطر هست این بود که اختیارات رییس جمهور را کم کردند و اختیارات نخست وزیر را بالا بردند. حرف آن‌ها هم این بود که الگوی قانون اساسی که آقای حبیبی نوشته از قانون اساسی پنجم فرانسه است که دوگله در ۱۹۸۵ به تصویب رسانده است، اختیارات رئیس جمهور را در آن خیلی بالا برده و نخست وزیر را پایین آورده است. رییس جمهور مسئول مجلس نبود. رییس جمهور مستقیماً با رای مردم انتخاب می‌شد، ولی نخست وزیر چون با رای مجلس انتخاب می‌شد، مسئول مردم بود. ولی تغییر عمده‌ی دیگری در آن ندادند تا این که لایحه‌ی دولت به شورای انقلاب آمد».^۳

^۱ نک. باباپور، محمدمهدی، گفتمان‌های فقهی سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، به راهنمایی دکتر احمد دوست‌محمدی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۸.

^۲ هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد نخست، انتشارات میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ص ۲۷.

^۳ سحابی، عزت‌الله، ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادین ملی، تهران: انتشارات گام نو، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲.

در هر حال، به نظر می‌رسد این پیش‌نویس بر مبنای یک نظام ریاست جمهوری با الهام از قانون اساسی مشروطه و توسط حقوق‌دانان که بیشتر گرایش‌های لیبرال و ملی‌گرایانه داشتند و از سوی دولت موقت تعیین شده بودند، تدوین شد. با این حال سيطرة‌ی روح مذهبی در این دهه تحت تاثیر تعالیم دینی روحانیون و روشن‌فکران دینی نظیر مرحوم شریعتی و مطهری نقش مهمی در روند نگارش پیش‌نویس داشت. عزت‌الله سبحانی در مورد نقش شریعتی می‌نویسد: «[...] همان قدر که آقایان روحانیون در بسیج مردم تاثیر داشته‌اند، دکتر شریعتی هم در فکر مردم تاثیر داشت. فرهنگ انقلاب ما بیشتر مدیون شریعتی است [...]»^۱.

با توجه به تفاوت‌هایی که در دو متن اصلی پیش‌نویس در شورای انقلاب و دولت موقت بود در ذیل این مساله را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ب) متن پیش‌نویس در شورای انقلاب

مهم‌ترین تحولات در پیش‌نویس قانون اساسی نسبت به مصوبه‌ی دولت موقت، در زمینه‌ی اصول اقتصادی قانون اساسی بود که تا حدودی چپ‌گرایانه‌تر شده بود. به عنوان نمونه در مورد مالکیت، اساس مالکیت بر کار قرار گرفته بود، مساله‌ای که به شدت مورد انتقاد و اعتراض مجامع روحانی و غیر روحانی قرار گرفت؛ امری که در مجلس خبرگان نیز به طور جدی نمودار گردید.^۲ بعد از تصویب شورای انقلاب یک نسخه از پیش‌نویس را برای امام در قم فرستادند. سه موردی که از اصول پیش‌نویس، امام بر روی آن اشکال داشتند عبارت می‌شدند از: نخست قید نشدن شیعه و مرد بودن رییس جمهور، دیگری پرچم سه رنگ ایران با آرم شیر و خورشید و سومی بحث حقوق اقلیت‌های مذهبی در مناطقی که اکثریت را حائز بودند. نکته‌ی مهم آن که امام هیچ‌گونه اظهارنظر و پیشنهادی در خصوص گنجاندن اصل ولایت فقیه در متن قانون نکرده بودند و یا از نبودن آن در متن اعتراضی نداشتند.^۳ پس از آن، متن پیش‌نویس بعد از تدوین در دولت موقت و انجام اصلاحات شورای انقلاب و امام، در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ در روزنامه

^۱ مظفر، محمدجواد، اولین رییس جمهور، پنج گفت‌وگو درباره اولین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، انتشارات کویر، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹.

^۲ سبحانی، عزت‌الله، نیم قرن خاطره و تجربه، جلد نخست، نشر فرهنگ صبا، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۷.

^۳ همان، ص ۱۳.

کیهان منتشر شد. همین متن پیش‌نویس نیز به مجلس خبرگان برای بررسی نهایی ارائه گردید.^۱

ج) تاثیرگذاری احزاب مختلف بر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی

مهم‌ترین فصل نقد سیاسی پیش‌نویس قانون اساسی معطوف به انتقادهایی است که توسط احزاب سیاسی به عنوان چالش‌گران سیاسی و نیروهای اجتماعی به منصفی ظهور می‌رسید. البته این نقدها عمدتاً از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی بود که در این مرحله هنوز فعالیت سیاسی خود را در چارچوب پذیرفته شده‌ی جمهوری اسلامی انجام می‌دادند.

جنبش مسلمانان مبارز که از نزدیک‌ترین گروه‌های چپ‌گرای مسلمان به اسلام‌گرایان کادر رهبری انقلاب بود، ضمن طرح چارچوب‌های کلی یک قانون اساسی ایده‌آل و برخاسته از انقلاب، انتظارات خود را از قانون اساسی فهرست کرد و در خلال آن مباحث اصولی اسلام‌گرایانه‌ی خود را بیان داشت. بر اساس ایدئولوژی این جنبش، «قانون اساسی باید بیان‌گر روح مکتب و اصول اساسی نظام توحیدی و تضمین‌کننده جهت حرکت جامعه به سوی ایده‌آل انسانی خود باشد. باید تجلی و ادامه‌ی مبارزه علیه امپریالیسم و به منظور قطع وابستگی و مناسبات استبدادی و ارتجاعی باشد».^۲ جنبش مسلمان مبارز معتقد بود طرح پیش‌نویس فاقد روح مکتبی بوده و از تأمین هدف‌های فوق عاجز است.^۳ بدین ترتیب روشن‌فکران اصول‌گرای دینی و عالمان سنت‌گرای اسلامی در این نکته که پیش‌نویس فاقد روح مکتبی اسلام است توافق داشتند. موضع اعلام‌شده‌ی جنبش مسلمانان مبارز را باید نزدیک‌ترین مواضع در تحولات آتی پیش‌نویس قانون اساسی در مجلس خبرگان دانست که توسط نوگرایان دینی و ملی‌مذهبی‌ها در مجلس خبرگان دنبال می‌شد.

^۱ امام خمینی (ره) در این برهه گروه‌ها و جریان‌های دینی و سیاسی را به مشارکت دعوت می‌کند و در سخنرانی خود در ۱۳۵۸/۳/۳۰ می‌گویند: «[...] الان باید همه‌ی قشرها و همه‌ی روحانیون بلاد و همه‌ی روشن‌فکران متفکرین اسلامی با دید اسلامی برای جمهوری اسلامی این قانون را بررسی کنند و نظر بدهند [...] درباره قانون اساسی اسلام، اسلام‌شناس باید نظر بدهد نه روشن‌فکران خارجی [...] همه موظفیم که این کار را انجام بدهیم. همه حق نظر داریم و شما علمای اسلام بیشتر حق نظر دارید. آن‌هایی که اسلام را می‌شناسند و علاقه به اسلام دارند در این امر بیشتر جدیت کنند و پیش‌قدم باشند». خمینی، [آیت‌الله] سیدروح‌الله، صحیفه نور، جلد ۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹.

^۲ روزنامه امت، ۱۳۵۸/۵/۱۷، ص ۷.

^۳ همان.

این گروه اسلام‌گرا که اندیشه‌های سیاسی ابراز شده‌ی آن بسیار به مواضع دکتر شریعتی در کتاب *امت و امامت* به ویژه در رهبری سیاسی آن نزدیک است، از معدود گروه‌های اسلام‌گراست که به صورت کاملاً روشنی به بحث امامت به عنوان یکی از ملاحظات اساسی در تدوین قانون اساسی پرداخته است.^۱

حزب توده از دیگر احزاب تاثیرگذار بود که اکثر اصول پیشنهادی آن، توسط مجلس خبرگان در متن نهایی قانون اساسی استفاده شد. بیشتر این اصول پیشنهادی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بود. در واقع حزب توده برخلاف احزاب دیگر به جای نقد، به تدوین برخی از اصول مورد قبول خود در قانون اساسی پرداخت. همین موضوع در نامه‌ی سرگشاده کمیته مرکزی حزب درباره پیش‌نویس برخی از اصول قانون اساسی به صورت کاملاً آشکاری متبلور شده است.^۲

جبهه ملی نیز از دیگر گروه‌های موثر بود. این گروه در باره پیش‌نویس قانون اساسی بیان

^۱ همان.

^۲ در این نامه خطاب به نخست وزیر دولت موقت آمده است: «مقدمتاً به استحضار می‌رساند پیش‌نویس طرح قانون اساسی آن‌چنان که در مطبوعات انتشار یافته در خطوط کلی خود خواسته‌های مشروع و حقّی مردم ایران را منعکس می‌سازد و از این جهت مورد تایید کمیته‌ی مرکزی ما قرار گرفته است [...] پیشنهادهای مورد نظر حزب توده صرفاً مرتبط به مسائل عمده‌ای است که به نظر ما تصریح آن‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه‌ی نوین نقش موثری ایفا خواهند نمود».

پیشنهادهای حزب توده که در هفت بند تنظیم شده بود مختصراً عبارت بودند از:

۱. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی و برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار دارد.

۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه‌ی عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک‌بندی‌های نظامی و بر اساس حفظ صلح و امنیت همسایگان باید تنظیم شود.

۳. حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال می‌شود.

۴. قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی و اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین می‌کند.

۵. کرسی‌های نمایندگی در سطح کشور و شورا به نسبت آرایبی که به هر یک از سازمان‌ها و احزاب شرکت‌کننده در انتخابات داده، توزیع شود.

۶. هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید به وسیله دولت تامین شود.

۷. هر گونه شکنجه به هر نحو ممنوع و شدیداً مستحق مجازات است و اعتراف حاصل از آن فاقد اعتبار است.

مجموعه بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های حزب توده ایران، تهران: انتشارات حزب توده ایران، ص ۱۳۷-۱۳۶؛ روزنامه مردم، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۲.

همان‌طور که اشاره شد به جز بند ۵، تمامی بندها در قانون اساسی مجلس خبرگان لحاظ گردید.

داشت؛ گرچه نکات اصلی پیش‌نویس قانون اساسی نمی‌تواند مورد قبول باشد و اکثر اصول آن، چه از نظر فنّ قانون‌گذاری و چه از نظر محتوای مواد، باید مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد، ولی در صورت اجرای اصلاحات و تغییرات لازم، چارچوب و اساس طرح تنظیمی دولت می‌تواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر کشور مبنای مناسبی برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار گیرد.^۱

تغییرات انجام شده توسط جبهه ملی بر روی پیش‌نویس قانون اساسی در سه حوزه‌ی مشخص چنین قابل تقسیم‌بندی است:

۱. نخست تغییرات بنیادی مانند تغییر اصول مرتبط به شوراها، منطقه‌ای و اختیارات محلی و طرز انتخاب و اختیارات رییس جمهور و نخست وزیر؛
 ۲. دیگر اصلاحات اساسی در اصول و مواد موجود بدون تغییر محتوای اصلی به نحوی که از نظر قانون و یا اجرایی بدون اشکال بود و قابل انطباق با هدف‌های قانون اساسی باشد؛
 ۳. حذف عبارات زاید و نامناسب و اصلاح عبارات از نظر حقوقی و اصلاحات قانونی.^۲
- همانند بسیاری از موارد دیگر، سازمان مجاهدین خلق ایران منتقد و معارض با پیش‌نویس بود. این سازمان مدعی بود، «روح حاکم بر پیش‌نویس موجود قانون اساسی یک روح سرمایه‌داری غربی است». این سازمان اصول کلی مورد نظر در خصوص یک قانون اساسی تراز اسلام را چنین بیان می‌نماید: «۱- نظام شورایی تنها شیوه‌ی اسلامی اداره‌ی جامعه است؛ ۲- کار معیار و مبنای ارزش اقتصادی است؛ ۳- زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند؛ ۴- برابری کامل بین زن و مرد؛ ۵- آموزش رایگان؛ ۶- ملی کردن بیمه، بهداشت و طب؛ ۷- تلقی مستضعفین به عنوان تکیه‌گاه اجتماعی دولت اسلامی؛ ۸- رعایت حقوق ملیت‌ها در تعیین حق سرنوشت خود؛ ۹- برپایی ارتش مردمی و ضد امپریالیست؛ ۱۰- صلاحیت دادگستری برای رسیدگی به کلیه‌ی جرایم؛ ۱۱- تضمین حقوق کار و حریم کارگاه‌ها؛ ۱۲- تاکید بر سیاست

^۱. روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۷، ص ۲.

^۲. همان، ص ۳.

خارجی ایران بر مبنای عدم تعهد در چارچوب غیر متعهدها»^۱.

د) واکنش علما و روحانیون نسبت به پیش‌نویس

در کنار احزاب و جریان‌های بالا، بسیاری از چهره‌های مذهبی نیز در خصوص پیش‌نویس ابراز نظر نمودند. امام خمینی (ره) که پیش‌نویس قانون اساسی را پذیرفته و نظرات علما را در حدّ علمای تراز اول مشروطیت تلقی کرده بودند اعمال ولایت را در همین حد، حداقل برای آن مقطع تحقق‌یافتنی می‌دانستند^۲ و در حدّ فاصل انتشار پیش‌نویس تا شروع به کار مجلس خبرگان در تبیین نظام آتی جمهوری اسلامی تنها به بحث پیرامون کلیات و محتوای اسلامی اشاره کردند. هر چند اسناد موجود در زمینه‌ی دلایل مواضع امام خمینی (ره) مطلب قابل توجهی ندارند، لیکن به نظر می‌رسد یا ایشان این منظور را از طریق دیگری هم‌چنان که در مورد نمایندگان خبرگان بعداً معلوم گردید در حال پیگیری بودند و یا دستیابی به آن را در مراحل اولیه و ماه‌های آغازین انقلاب دست نیافتنی تلقی می‌کردند؛ زیرا مواضع بعدی ایشان نشان می‌داد که مصوبه‌ی مجلس خبرگان نیز برای مقصود ایشان کافی نیست^۳.

بحث گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی تا پیش از تشکیل مجلس خبرگان در جایی مطرح نشد. به گفته‌ی آقای هاشمی رفسنجانی در همان اوایل کار مجلس خبرگان، پیشنهادهایی در این زمینه داده شد که بعضی از اعضا از جمله آقای منتظری و آقای بهشتی از آن حمایت کردند و مساله را تا تصویب نهایی پیش بردند^۴. امام هم وقتی این بحث به طور جدی مطرح شد و متوجه این بحث در پیش‌نویس قانون اساسی شدند، خیلی محکم ایستادند و از آوردن مساله‌ی

^۱. نشریه مجاهد، ۱۳۵۸/۵/۱۵، ص ۶.

^۲. روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۴، ص ۲.

^۳. قلفی، محمد وحید، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: نشر عروج، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۳۶۸.

^۴. در ورود بحث ولایت فقیه به قانون اساسی خیلی‌ها معتقدند آیت‌الله منتظری نقش اصلی را برعهده داشت، اما به نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، میدان‌دار این قضیه دکتر آیت بود و آقای منتظری موضع ایشان را تأیید کرد. نک: «پیش‌نویس قانون اساسی دموکراتیک‌تر بود»، مصاحبه هومان دوراندیش با احمد صدر حاج سیدجوادی، از تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی، **نشریه گزارش**، شماره ۲۱۵، بهمن ۱۳۸۸، ص ۵۷.

ولایت فقیه در قانون اساسی دفاع کردند.^۱ از دیگر اشخاصی که چندان میانه‌ی مناسبی با متن قانون اساسی و گنجاندن ولایت مطلقه‌ی فقیه در قانون نداشت، مرحوم شریعتمداری بود. وی پس از تصویب قانون اساسی نیز صراحتاً بیان کردند که در رفراندوم قانون اساسی شرکت نمی‌کند و البته علیه رفراندوم نیز مبارزه نمی‌کند.^۲

به هر روی، این که رنگ اسلامی متن قانون اساسی نسبت به پیش‌نویس آن بسیار پرلعب‌تر بود را باید در ترکیب مجلس خبرگان قانون اساسی جست‌وجو کرد که البته از حوصله‌ی این مقاله خارج است؛ تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که اعضای مجلس پس از ملاحظه‌ی پیش‌نویس تصمیم گرفتند متنی را در چارچوب جمهوریّت و اسلامیّت تدوین کنند. بدیهی است که این مجلس اجازه نداشت برخلاف جمهوریّت و اسلامیّت، اصلی را در قانون اساسی بگنجاند.^۳

۱. هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود در همین ارتباط می‌آورد: «برای ما آن زمان شکل حکومتی ولایت فقیه مسجل نبود. [...] به همین دلیل در پیش‌نویس قانون اساسی، که جمعی از کارشناسان و حقوق‌دانان که با دیدن قوانین اساسی دنیا آن را تهیه کرده بودند، بحثی از ولایت فقیه نیامده بود. آن پیش‌نویس در شورای انقلاب که آمد، آن‌جا هم این بحث به ذهنمان نرسید که بگنجانیم و وقتی هم این پیش‌نویس را پس از تصویب شورای انقلاب خدمت امام دادیم و حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری و مرعشی نجفی و دیگر علمایی که در آن موقع بودند آن را دیدند آن‌ها هم گنجاندن این بحث در متن قانون به ذهنشان نرسید. [...] در برخی محافل و مطبوعات بحث‌هایی در این زمینه وجود داشت و حتی آقای منتظری در آستانه‌ی انتخابات مجلس خبرگان مصاحبه‌ای کرد و خواستار گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی شد ولی تا تشکیل مجلس خبرگان این بحث در جایی مطرح نشد. اما در همان اوایل کار این مجلس پیشنهادهایی در این زمینه داده شد که بعضی از اعضا از جمله آقای منتظری و آقای بهشتی از آن حمایت کردند و مساله را تا تصویب نهایی پیش بردند. امام هم وقتی این بحث به طور جدی مطرح شد و متوجه این بحث در پیش‌نویس قانون اساسی شدند، خیلی محکم ایستادند و از آوردن مساله‌ی ولایت فقیه در قانون اساسی دفاع کردند. [...] آقای مهندس بازرگان و دوستانش در اعتراض به گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی، تصمیم گرفتند که با انحلال مجلس خبرگان را مطرح کنند یا استعفای دسته‌جمعی بدهند. وقتی امام از این مساله مطلع شدند در مقابل ایشان ایستادند و هشدار دادند که با استعفای ایشان موافقت خواهند کرد. [...] این موضع‌گیری و حمایت امام نشان داد که ایشان در تایید و تثبیت این اصل در قانون اساسی تاکید و اصرار بسیار دارند». هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸: انقلاب و پیروزی، به اهتمام عباس بشیری، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ نخست، ۱۳۸۳، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۲۳، ص ۲.

۳. گرجی، علی‌اکبر، «سه مرحله ضروری در بازنگری قانون اساسی» (گفت‌وگو)، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰، ص ۴۲.

مرحوم دکتر کاتوزیان در ارتباط با تغییرات پیش‌نویس و اختیارات ریاست جمهوری بیان داشته‌اند: «در پیش‌نویس، پارلمان می‌توانست رییس‌جمهور را عزل کند بنا بر این کنترل همه‌جانبه بود. بعد هم این‌که اول انقلاب همه نگران قدرت رییس‌جمهور در قانون اساسی بودند و ترس از جایگاه حقوقی رییس‌جمهور نبود. اختلاف فردی بود؛ یعنی نمی‌خواستند ابوالحسن بنی‌صدر رییس‌جمهور بشود. همه‌ی اختیاراتش را هم گرفتند و بنی‌صدر صدایش درآمد و گفت که این رییس‌جمهوری دیگر به درد من نمی‌خورد چون همه اختیاراتش را شما گرفتید»^۱.

مرحوم عزت‌الله سحابی در انتقاد به این وضعیت بیان می‌دارد: «همه‌ی آن‌ها درباره این‌که متن پیش‌نویس قانون اساسی دارای ارزش نیست و دولت موقت صلاحیت تهیه‌ی پیش‌نویس قانون اساسی را ندارد و... داد سخن دادند و به دولت موقت حمله کردند. این در حالی بود که هم‌چنان که گفتم متن پیش‌نویس قانون اساسی به صورت لایحه به شورای انقلاب ارائه و پس از آن امام خمینی و مراجع قم هم آن را مطالعه کرده بودند. آنان برای این‌که ارزش متن پیشنهادی را پایین بیاورند به این شکل برخورد می‌کردند. از نحوه‌ی برخورد آنان و انتقاداتی که به موضوع داشتند مشخص بود که از قبل هماهنگی‌هایی در این خصوص انجام شده است»^۲.

به هر روی، عناصری وارد قانون اساسی شد که پیش‌نویس را دچار تحول اساسی کرد^۳ به نحوی که دیگر اطلاق «پیش‌نویس» به آن چندان دقیق نمی‌نمود. باید گفت حتی اگر بتوان پذیرفت که پیش‌نویس طرح ساده‌ای بود که با دگرگونی قابل توجهی در مجلس خبرگان روبه‌رو گشت، با این حال این نگاه به پیش‌نویس در برخی موارد به کلی منتفی بود. به عنوان مثال، یکی از مسائلی که خبرگان تغییر داد، مساله‌ی «بازنگری در قانون اساسی» بود که مشخص نیست به چه دلیل از پیش‌نویس حذف گردید^۴. روایت «میناچی» از دیگر ملی‌مذهبی‌ها هم حکایت از آن دارد که خبرگان قانون اساسی از ابتدا و مجدداً اصول قانون اساسی را ماده به ماده تدوین نمودند

^۱ کاتوزیان، ناصر، «جمهوری چگونه اسلامی شد؟»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۸، دی ۱۳۸۹، ص ۳۱.

^۲ نک. سحابی، عزت‌الله، «پس از ۵۷، از مجموعه خاطرات مهندس عزت‌الله سحابی»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۲، خرداد ۱۳۹۰.

^۳ گرجی، علی‌اکبر، «تکمیل پروسه ناتمام مشروطه ایرانی»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۸، دی ۱۳۸۹، ص ۳۸.

^۴ باقی، مریم، «تابویی که شکسته شد»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰، ص ۳۲.

و در آنجا تحت نظرات برخی متنفذین، اصولی به قانون اساسی اضافه گردید که در متن پیش‌نویس وجود نداشت.^۱ برخی^۲ دیگر نیز در مورد پیش‌نویس اعتقاد دارند خبرگان قانون اساسی در تصویب برخی از اصول قانون اساسی مراعات جوانب نمود و اصولی را به قانون افزود که در تصویب آنان دودستگی وجود داشت.^۳ نخستین رییس جمهور در این باره بیان داشته است: «در آن طرح مقدمه‌ی قانون اساسی، پیش‌نویس اولیه موجود است، پیش‌نویسی که ما تهیه کردیم موجود است، شما ببینید چند مورد از اختیارات ریاست جمهوری به قلم بنده کم شده [...]»^۴. برخی از اعضای نهضت آزادی از جمله عزت‌الله سحابی بیان داشته‌اند ولایت فقیه در قانون اساسی نبود و خبرگان قانون اساسی آن را به متن اصلی اضافه نمودند.^۵ برخی دیگر نیز نوشته‌اند که رحمت‌الله مراغه‌ای از اعضای جمهوری خلق مسلمان با اندراج اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالف بوده است.^۶

مبحث دوم: تدوین و تصویب قانون اساسی ۱۳۵۸

آنچه در این قسمت مطرح نظر است، تاثیرگذاری افراد و گروه‌های سیاسی از آغاز تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی تا تصویب نهایی و شرکت در فراندوم تصویب قانون اساسی است. در این میان نقش گروه‌های چپ و مارکسیست که در این قسمت قلم اشاره، آن‌ها را نشانه رفته، به جهت اثرگذاری در «حاشیه» و نه مستقیماً در متن و بطن تدوین قانون اساسی بوده است. با وجود نبودن بسیاری از افراد وابسته به جناح‌های چپ، به هر حال به نظر می‌رسد که «در اصل دموکراتیک بودن تدوین قانون اساسی، نمی‌توان تردیدی کرد»^۷. با توجه به گستردگی طیف‌ها و جریان‌های مختلف، ادامه‌ی مطلب را در سه قسمت پی می‌گیریم.

^۱ «مصاحبه با دکتر ناصر میناچی»، از کتاب سقوط دولت بازرگان، به کوشش غلامعلی صفاریان و فرامرز معتمد دزفولی، تهران: شرکت انتشارات قلم، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۳۶۰.

^۲ احمد صدر، حاج سیدجوادی.

^۳ «مصاحبه با احمد صدر حاج سیدجوادی»، از کتاب سقوط دولت بازرگان، پیشین، ص ۳۶۲.

^۴ مظفر، پیشین، ص ۱۰۳.

^۵ همان، ص ۲۲۶.

^۶ خلخالی، صادق، خاطرات آیت‌الله خلخالی، جلد نخست، تهران: نشر سایه، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲.

^۷ گرچی، «سه مرحله ضروری در بازنگری قانون اساسی»، پیشین، ص ۴۲.

الف) اشخاص، جمعیت‌ها و گروه‌های اسلامی

پس از نقش‌آفرینی گروه‌های اسلامی و مسلمان در تحقق و وقوع انقلاب ۱۳۵۷، این افراد و گروه‌ها در عرصه‌ای دیگر یعنی تدوین و تصویب قانون اساسی که از منظر این طیف حائز اهمیت اساسی بود، بلافاصله پس از تعیین نوع نظام برای بررسی آن مبادرت کردند. نیروهای مذهبی در این دوره که در شورای انقلاب، اکثریت را داشتند، با پیگیری‌های لازم، در پیش نویس قانون اساسی نقش ایفا کردند و در مساله‌ی اختلاف طیف‌ها بر سر تشکیل یا عدم تشکیل مجلس موسسان برای بررسی و تصویب قانون اساسی، نقش مناسبی در جلوگیری از دفع الوقت گروه‌های لیبرال و چپ که در انتخابات قبلی شکست خورده بودند، ایفا کردند و در آماده کردن قانون اساسی برای اعلام نظر مردم اقدام نمودند. به نظر می‌رسد، گروه‌هایی که خود را البته منتسب به آیت‌الله خمینی می‌دانستند، بیش از همه سعی داشتند نقش‌آفرینی گروه‌هایی را که درست یا نادرست غرب‌زده و لیبرال می‌دانستند کم کنند.^۱ در این میان، مهم‌ترین نقش را قطعاً «حزب جمهوری اسلامی» داشته است؛ تا جایی که شهید آیت‌الله بهشتی می‌گوید: «به نظر من قسمت مهمی از قانون اساسی در حقیقت مرام‌نامه‌ی تفصیلی حزب است».^۲

با این حال، این که در قانون اساسی اراده‌ی عمومی مبنای شکل‌گیری حکومت اسلامی است، مورد تایید بسیاری از اسلام‌گراها، ملی‌مذهبی‌ها و سایر احزابی بود که به نوعی از طرف‌داران امام خمینی (ره) محسوب می‌شدند.^۳ با توجه به عدم حضور طیف‌های چپ و در اقلیت بودن گروه‌های ملی‌مذهبی، روند تصویب قانون اساسی بر وفق مراد طیف‌های اسلامی فائق‌تر و پرطمطراق‌تر بود. شاید تنها اصطکاک میان این افراد و گروه‌ها با ملی‌مذهبی‌ها موضوع اختیارات ریاست جمهوری و رهبری بود. همان‌طور که پیش‌تر نیز آمد، یکی از نقاط چالش‌برانگیز، مساله‌ی حائز اهمیت ولایت فقیه بود. تا جایی که آیت‌الله بهشتی در مورد بنی‌صدر

^۱ همان‌طور که در ادامه نیز بیان خواهد شد، احزاب چپ، برعکس، سعی داشتند نقش‌آفرینی لیبرال‌ها و دولت موقت را مختل سازند.

^۲ مظفر، پیشین، ص ۱۴.

^۳ عباس‌زاده، مسعود، «جایگاه رأی و نظر مردم در اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره)»، از کتاب نظارت استصوابی، تهران: نشر افکار، چاپ نخست، ۱۳۷۸، ص ۳۱۶.

می‌گوید: «[...] در قانون اساسی به پیشنهاد حسن آیت و تاکید آیت‌الله منتظری، ولایت فقیه مطرح و به تصویب مجلس خبرگان رسید و بنی‌صدر مخالف جدی طرح آن در قانون اساسی بود»^۱. امام خمینی (ره) نیز طی یک سخنرانی در روند تصویب قانون اساسی و اندراج اصل ۱۱۰ در پاسخ به منتقدین ولایت فقیه بیان داشتند: «[...] قضیه‌ی ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد، ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده [...]»^۲.

ب) افراد، احزاب و گروه‌های ملی‌مذهبی

در این قسمت علاوه بر تبیین نظرات گروه‌ها، دیدگاه «شاخص» و افراد خارج از احزاب نیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه برخی از ملی‌مذهبی‌های شاخص، نظیر «ابوالحسن بنی‌صدر» داخل در هیچ‌یک از احزاب و گروه‌های سیاسی نبودند^۳.

این نکته نیز قابل ذکر است که در تدوین قانون اساسی به نظر می‌رسد اکثر ملی‌مذهبی‌ها مشکل چندانی با اصل حکومت اسلامی نداشته‌اند؛ گو آن‌که به عقیده‌ی برخی دین‌داری در این دوره با توجه به تحوّل‌خواهی و روحیه‌ی انقلابی‌گری، آشکال نوینی بر خویش می‌دید و در اهداف کلان و آرمانی هم‌چون استقلال‌خواهی، آزادی، عدالت، دفاع از مستضعف و مبارزه با مستکبر و مواردی از این دست، خلاصه می‌گشت^۴. به عنوان نمونه بنی‌صدر، نخستین رییس جمهور پس از انقلاب در مود حمایت از اسلامی بودن حکومت و موافقت با اصل یک قانون اساسی بیان داشت: «[...] اگر ما نتوانیم وحدت سازمانی به حرکت اسلامی بدهیم، شکست ما قطعی است. برای آن‌که عوامل پیروزی ما جز یکی نیست و آن هم جوّ اسلامی است. بقیه‌ی

^۱ مظفر، پیشین، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

^۲ خمینی، پیشین، جلد ۱۰، ص ۲۷. ایشان در جایی دیگر فرمودند: «بهترین اصل در قانون اساسی این "اصل ولایت فقیه" است و غفلت دارند بعضی از آن». همان، جلد ۱۱، ص ۱۳۴.

^۳ برای مشاهده‌ی استدلال‌های بنی‌صدر پیرامون عدم حضور در یک حزب مشخص، نک. مظفر، پیشین، صص ۶۳-۵۸.

^۴ قاسمی، علی، «بحران دین‌داری و آسیب‌شناسی آن در جامعه ایرانی»، از کتاب مجموعه مقالات نقد و بازاندیشی گفتمان دینی در بزرگداشت مهندس مهدی بازرگان، انتشارات قلم، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳.

عوامل، همه عوامل شکست است»^۱. به جرات می‌توان گفت گروه‌های ملی‌مذهبی در تدوین قانون اساسی غالباً انعطاف‌پذیری بسیاری در برخورد با سایر جریان‌ها داشتند و در مسیر هماهنگ شدن با گروه‌های مختلف کوشش وافر می‌نمودند. به علاوه علی‌رغم بسیاری از نظریات لیبرال‌گرایانه‌ی ملی‌مذهبی‌ها، آن‌ها با اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و حمایت از اقتصاد دولتی و انجام بازرگانی خارجی توسط دولت مشکلی نداشتند^۲.

نهضت آزادی و بازرگان از جمله افراد و گروه‌های تاثیرگذار بودند. اصل حاکمیت ملت در قانون اساسی پیشنهادی دولت بازرگان، از طریق انتخابات ادواری مجلس، ریاست جمهوری، شوراهای محلی، انجمن‌ها و سندیکاها و اصناف و سایر تشکل‌های مدنی و آزادی احزاب سیاسی و مطبوعات قابل تحقق بود. تلقی بازرگان از حکومت دینی با بسیاری از اسلام‌گرایان تفاوت داشت^۳. بازرگان حکومت دموکراسی دینی را از نظر اقتصادی طبق برخی اصول اقتصاد اسلامی که در آن‌ها استخلاف انسان، اکتساب و تولید از راه حلال، انفاق، خمس و زکات انجام می‌شود و مالک واقعی اموال و ثروت‌ها خداست، می‌دانست^۴. در مقابل بازرگان اصل امر به معروف و نهی از منکر را ملازم با آزادی رای و بیان برمی‌شمرد^۵. جالب آن‌که بعد از سال ۱۳۶۰ عمده اعتراضات و انتقادات او به مسئولین و سایر سیاست‌مداران وقت، به‌واسطه‌ی نقض همین قانون اساسی است^۶.

در کنار این‌ها مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی قرار دارد که بر عناصری چون عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون و آزادی تکیه داشت^۷. از ایشان و بازرگان می‌توان به عنوان مدافعان

^۱ مظفر، پیشین، ص ۶۳.

^۲ همان، ص ۸۱.

^۳ نک. خواجه‌سروی، غلامرضا، «رابطه دین و سیاست در اندیشه مهندس بازرگان»، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۵، صص ۳۷-۴۲.

^۴ غفاری، مسعود؛ و محمدزاده، علی، «حکومت در اندیشه سیاسی مهدی بازرگان»، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

^۵ اشکوری، حسن، نوگرایی دینی؛ گفت‌وگو با مهندس مهدی بازرگان، نشر قصیده‌سرا، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۴.

^۶ غفاری و محمدزاده، پیشین، ص ۱۲۶.

^۷ مظفر، پیشین، ص ۷۴.

مشروطه^۱ یاد نمود. استنباط آیت‌الله طالقانی از آیات قرآن این بود که باید یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی بر پایه‌ی ایمان به خدا و بر محور انسان‌ها و منافع عموم شکل گیرد.^۲ طالقانی همچنین نظام شورایی را در حکومت یک اصل مهم می‌دانست و مشورت را بر کارگزاران و عمال حکومت الزامی برمی‌شمرد.^۳ مرحوم طالقانی در بسیاری از آثار و به ویژه در سخنرانی‌هایش تصریح داشته است که حاکمیت اجتماعی در اختیار توده‌های مسلمان است و علما در این زمینه صرفاً نقش ارشادی و هدایتی دارند.^۴ به اعتقاد ایشان مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای اجتماعی است که مردم نسبت به حکومت و حکومت نسبت به مردم بر عهده دارند.^۵ ایشان همچنین در دفاع از حقوق بشر می‌گوید: «هرچیز که انسانی است، مورد قبول اسلام نیز هست».^۶ به هر روی، نزدیک دو هفته پس از تشکیل نخستین جلسه‌ی مجلس خبرگان، ایشان که به‌مثابه پدر معنوی تمام جریان‌ها بودند، دار فانی را وداع گفتند و از این حیث لطمه‌ی شدیدی به روند تدوین قانون اساسی به ویژه از حیث میانه‌روی و برقراری تعادل میان آرا و نظرات گروه‌های مختلف، وارد آمد.

بر خلاف اسلام‌گراها، نوع حکومت از منظر بسیاری از اعضای نهضت آزادی بیشتر متمایل به نظام مشروطه است تا نظام ولایت فقیه.^۷ به هر حال به نظر برخی، بسیاری از مباحث مربوط به حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی منطبق با آرای مرحوم بازرگان، مرحوم طالقانی و مرحوم شریعتی است.^۸ اصولی چون نفی تفتیش عقاید (اصل ۲۳)، آزادی مطبوعات (اصل ۲۴)، منع

^۱ جعفری، محمد مهدی، «طالقانی، احیاگر نواندیشی دینی»، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۷۸، مهر ۱۳۸۵، ص ۷۸.

^۲ جعفری، محمد مهدی، «رویکرد سوسیال دموکراسی آیت‌الله طالقانی»، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۱۰۵، دی ۱۳۸۷، ص ۸۱.

^۳ شیرخانی، علی، «نظام شورایی در اندیشه آیت‌الله طالقانی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۰، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

^۴ Jahanbakhsh, Forough, "Islam, Democracy and Religious modernism in Iran", from: Bazargan to Soroush, Leiden publication, Boston, First edition, 2001, pp. 73-74.

^۵ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۷.

^۶ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۵.

^۷ مظفر، پیشین، ص ۷۵.

^۸ افروغ، عماد؛ و صالحی، علی محمد، «تبلور آرمان‌های پایه‌گذاران انقلاب در قانون اساسی» (امام خمینی، شریعتی، بازرگان و طالقانی)، فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه الزهرا (س)، شماره‌های ۴۴ و ۴۵، زمستان ۱۳۸۱، ص ۷۶.

تجسس (اصل ۲۵)، و آزاد شغل (اصل ۲۸)، نه تنها، هیچ‌گاه با عقاید این اندیشمندان مغایرت نداشته است، بلکه تبلوری از آرای آنان نیز محسوب می‌گردد. همچنین، حسن حبیبی از جمله افرادی بود که در تدوین قانون اساسی نقش پررنگی داشت و به گفته‌ی خودش از سوی نهضت آزادی کاندید بود.^۱

ج) گروه‌های چپ، در تکاپوی نقش‌آفرینی

گروه‌های چپ در روند نگارش پیش‌نویس مشکل‌چندانی با متن پیشنهادی نداشتند؛ به طوری که اسناد حکایت از آن دارد که پیش‌نویس تهیه شده مورد تایید حزب توده و بسیاری دیگر از گروه‌های چپ، بوده است.^۲ آن‌چنان که در مطالعه‌ی عملکرد این گروه‌ها خواهیم دید، به‌رغم عدم حضور افراد و گروه‌های چپ و مارکسیست در مجلس خبرگان، آن‌ها چندان در روند تصویب قانون اساسی بی‌تاثیر نبودند. برخی معتقدند تدوین‌کنندگان قانون اساسی، تحت هژمونی گروه‌های چپ، بازرگانی و اقتصاد دولتی را در قانون اساسی آوردند.^۳

۱) گروه‌های چپ، از سازش تا پیکار

تاثیرگذاری گروه‌های چپ بر روند تصویب قانون اساسی بسیار متفاوت بود؛ و البته نظرات در مورد میزان این تاثیرگذاری نیز به همین منوال متعدد و متغایر است. در این میان برخی معتقدند گروه‌های چپ، «در جریان تدوین قانون اساسی نیز به دنبال منافع گروه‌های متوسط کارگری و بر اساس مدل شوروی بودند که به دلیل نبود هیچ جایگاهی در بین مردم از توان تاثیرگذاری

^۱. نک. مظفر، پیشین، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

^۲. نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران در تاریخ ۲ تیر ماه ۱۳۵۸ طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به مهندس بازرگان و دولت موقت بیان داشت: «کمیته‌ی مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدماتاً به استحضار عالی برساند که پیش‌نویس طرح قانون اساسی آن‌چنان که در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواست‌های مشروع و حقه‌ی مردم ایران را منعکس می‌سازد و از این جهت مورد تایید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است». نک. اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران، پیشین.

^۳. نک. غنی‌نژاد، موسی، «بازرگان محافظه‌کار بود، نه لیبرال»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۸، دی ۱۳۹۰.

محروم بودند»^۱. زاویه‌گیری گروه‌های مختلف چپ که به نظر می‌بایست با یک‌دیگر هماهنگ عمل کنند نیز گوناگون بود. در ارتباط با قانون اساسی برخی از مجاهدین بر این باور بودند که در تدوین قانون اساسی نمایندگان آن‌ها شرکت نداشته‌اند و بنابر این مطابق نظرات آن‌ها نیست. آن‌ها همچنین معتقد بودند عقاید تدوین‌کنندگان این قانون با اسلامی که مورد نظر مجاهدین است مغایر و در تضاد است.^۲

این واقعیت را باید پذیرفت که برخی از گروه‌های چپ، نظیر سازمان مجاهدین خلق، خود در کاهش تاثیر بر تدوین قانون اساسی نقش داشتند. به عبارت دیگر آن‌ها برخلاف بسیاری از منتقدین، به جای ارائه‌ی پیشنهاد در جهت بهبود قانون اساسی و مشارکت فعال مدنی در این زمینه، اقدام به تشکیل «میلیشیا»^۳ نمودند! جالب آن که در روند تصویب قانون اساسی، برخی از اعضای نهضت آزادی بعدها صراحتاً یکی از مهم‌ترین دلایل ناکامی اهداف دولت موقت و ایفای نقش تعدی‌گرایانه‌ی آن‌ها در خبرگان قانون اساسی را اقدامات گروه‌های موسوم به چپ دانستند.^۴ سازمان مجاهدین، به جای اهتمام و توجه بیشتر به تصویب قانون اساسی، وقت و هزینه‌ی نیروهای خود را به اصطلاح خودش، معطوف «افشاگری ارتجاع»^۵ نموده بود. نهایتاً این سازمان نه تنها نقشی در تدوین قانون اساسی ایفا نمود، بلکه در فراندوم نهایی آن نیز همگان را به تحریم و عدم شرکت در آن فراخواند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (موسوم به فداییان)، از دیگر گروه‌های چپ مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران بود که سرِ ناسازگاری کامل با قانون اساسی افراشت. در زمره‌ی

^۱ اکبری، پیشین، ص ۶۴.

^۲ بنی‌صدر، مسعود، خاطرات یک شورشی ایرانی، ترجمه فرهاد مهدوی، پاریس: انتشارات خاوران، چاپ نخست، ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، ص ۱۴۱.

^۳ فوزی، یحیی، «استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی»، نشریه پژوهشنامه متین، شماره ۳۴ و ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۹۱.

^۴ مسعودنیا، حسین؛ و شکرنوری، اصغر، «تجزیه و تحلیل نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی ایران، از تشکیل شورای انقلاب اسلامی (۲۲ دی ۱۳۵۷) تا استعفای بازرگان (۱۴ آبان ۱۳۵۸)»، نشریه پژوهش‌های سیاسی، شماره نخست، پاییز ۱۳۹۰، ص ۵۱.

^۵ نک. مهدی‌زاده، علی، «بسترهای شکل‌گیری ۳۰ خرداد ۱۳۶۰»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۸۰.

مهم‌ترین ایرادات آنان، وضعیت حقوق زنان در نصّ قانون بود.^۱ همچنین از دیگر گروه‌های وابسته به جریان‌های مارکسیستی ایران، سازمان «پیکار» بود که اگرچه در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت جست، با وجود این با تحریم روند تصویب قانون اساسی، تایید نهایی آن را به دیده‌ی بی‌اعتنایی نگریست.^۲

۲) حزب توده و ایفای نقش در تصویب قانون اساسی

برخلاف خیل گسترده‌ی گروه‌های چپ، «حزب توده» به نظر بیشترین همکاری را با سران حکومت داشته و در روند تصویب قانون اساسی هم، نه البته چندان محسوس، دخیل بوده است. حزب توده پیش از تصویب قانون اساسی، هفت بند پیشنهادی ابراز داشت که با توجه به سابقه‌ی شکنجه شدن اعضای آن سازمان در رژیم سابق، در بند هفتم، منع «شکنجه و تنبیه بدنی و روانی» نیز در زمره‌ی آن پیشنهادها بود.^۳ این حزب پس از ناکامی در ورود اعضایش به مجلس خبرگان قانون اساسی، روند تاثیرگذاری غیر مستقیم و در سایه را برگزید. حزب توده در یکی از تندترین واکنش‌ها به روند تصویب ابراز داشت: «در قسمت عمده و اصولی موادی که تاکنون مورد بحث و تصویب قرار گرفته، زیر فشار یک گروه نیرومند، متن اولیه که به نظر مردم گذاشته شده بود، به کناری نهاده شده و مطالب و مواد به کلی تازه یا به حدّ قابل توجه تازه‌ای جانشین آن شده است».^۴ اما نهایتاً «حزب توده» پس از تصویب قانون اساسی خود را مقید و ملزم به رعایت مفاد قانون اساسی اعلام نمود.^۵

حزب توده در جریده‌ی ارگانی خویش در ارتباط با اصل ۵ بیان داشت: «این ماده بدون آن

^۱. Sanasarian, Eliz, "An Analysis of Fidai and Mojahedin Positions on Women's Rights", from: Guity Nashat (editor), Women and Revolution in Iran, Bowder, Colorade, Westview Press, First publication, 1983, pp. 96-97.

^۲. بهروز، مازیار، شورشیان آرمان‌خواه، ناکامی چپ در ایران، ترجمه مهدی پرتوی، انتشارات ققنوس، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۰۷.

^۳. نک. اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران، پیشین.

^۴. روزنامه مردم، ۱۰ مهرماه ۱۳۵۸.

^۵. ضابط‌پور، غلامرضا، «ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران معاصر (مطالعه موردی حزب توده و حزب اراده ملی)»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره نخست، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۲۵.

که گرهی از مساله‌ای بگشاید و به وضوح و به تصریح مساله‌ای را بیان کند، از هم اکنون باب بحث‌ها و تفسیرهای بسیاری را گشوده است.^۱ این حزب همچنین در ارتباط با اصل هفتم و در انتقاد به وضع شوراها در این قانون بیان داشت: «شوراها در متن کنونی خبرگان، دیگر وسیله‌ی بیان آرای عمومی، که خود مبنای حکومت است، نیستند، بلکه چیزهای دیگر و رای دیگری نیز مبنای حکومت و تصمیم‌گیری و اداره است. تفاوت در جهت راست، در پس‌رفت در فاصله گرفتن از خواست‌های مردم و نتایج انقلاب آشکار است»^۲. حزب توده همچنین اصل نهم قانون اساسی را یکی از معتبرترین و خلقی‌ترین اصول وفادار به انقلاب می‌داند؛ اما افسوس می‌خورد که چرا خبرگان واژه‌ی «مشروع» را به «آزادی» اضافه نموده است.^۳ علاوه بر این، حزب توده به وضعیت شورای نگهبان نیز معترض بود.^۴

به نظر دبیر این حزب، سران حزب توده بر اهمیت نقش کارگران و زحمت‌کشان، تاکید زیادی داشتند و تا حدودی با آن چه در قانون اساسی به وهله‌ی نگارش و تصویب آمده بود، موافق بودند.^۵ به جرات می‌توان گفت، جا افتادن شعارهایی همچون اجرای اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی و همچنین بسیاری دیگر از شعارها، ثمره‌ی کار معنوی حزب توده در آغاز انقلاب بوده است.

نکته‌ی پایانی این که احزاب و گروه‌های چپ که به برخی از آن‌ها اشاره شد، اغلب پس از

^۱ روزنامه مردم، ۱۲ مهرماه ۱۳۵۸.

^۲ به نظر این حزب، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل برای مردم و دولت شمرده شده که در شکل فعلی هنوز محتوای آن روشن و صریح نیست. در باره این اصل مشهور دینی، عقیده‌ی بسیاری، از جمله در خود مجلس خبرگان، این بود که قانون اساسی جای ذکر اصول و فروع دین نیست.

^۳ روزنامه مردم، همان.

^۴ «[...] نتیجه این که، یک عده چهار نفری فقها که از جانب شورای رهبری انتصاب شده‌اند، می‌توانند بر مصوبات مجلس شورای ملی ایران که برگزیده‌ی تمام ایرانیان است و در یک سیستم شورایی، حلقه‌ی مهمی از تظاهر حاکمیت خلق در سطح تمام کشور است، خط بطلان بکشند». نک. روزنامه مردم، ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸.

^۵ کیانوری، نورالدین، گفت‌وگو با تاریخ (مصاحبه)، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۴۱۷.

^۶ به نظر برخی، تعداد این سازمان‌های وابسته به چپ، بیش از هشتاد سازمان، انجمن، گروه و حزب بود. در واقع «پس از انقلاب این موضوع به امر رایجی تبدیل شد که هر چند نفر فعال مارکسیست که دور هم جمع می‌شدند، خود را حزب یا سازمان می‌نامیدند و ادعا می‌کردند که پیشاهنگ راستین طبقه‌ی کارگر هستند!»، بهروز، پیشین، ص ۱۸۳.

سال ۱۳۶۰ از راه حاکمیت زاویه گرفتند و بسیاری نیز به تاریخ پیوستند و این موجی بود تا در روند بازنگری قانون اساسی، علاوه بر بسیاری از گروه‌های غیر چپ، این جریان‌ها نیز هیچ‌گونه نقشی نیافریدند.

مبحث سوم: بازنگری قانون اساسی

ابتکار عمل در بازنگری امتیاز بسیار مهمی است که معمولاً در اختیار قوی‌ترین مقام یا نهاد یک کشور قرار می‌گیرد؛ در رژیم‌هایی که قوه مجریه دارای قدرت مطلق است این حق اختصاص به آن قوه دارد، چه در قانون اساسی پیش‌بینی شده یا نشده باشد. در رژیم‌های استبدادی کلاسیک و حتی بعضی از رژیم‌های مشروطه‌ی معاصر ابتکار بازنگری قانون اساسی در اختیار مقام حاکم است؛ به موجب ماده ۲۷ قانون اساسی مراکش تجدیدنظر در قانون اساسی از حقوق مختصه‌ی پادشاه است. در رژیم‌های دموکراتیک این حق به مردم تعلق دارد؛ به موجب مواد ۱۱۸ تا ۱۲۳ قانون اساسی سوئیس ابتکار بازنگری از پیشنهاد تا تصویب با مردم و مجلس فدرال است. به موجب ماده ۵ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، مجالس مقننه با اکثریت دوسوم نمایندگان، قانون اساسی را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند. در بعضی از کشورها اختیار بازنگری بین قوای مجریه و مقننه تقسیم شده است؛ به موجب ماده ۸۹ قانون اساسی فرانسه ابتکار بازنگری قانون اساسی مشترکاً متعلق به رییس جمهور و پارلمان است.^۱

تجربه یک دهه از زمام‌داری قانون اساسی در سپهر سیاسی کشور و برون‌دادهای گوناگون و عیان گشتن کاستی‌ها و نقایص ناشی از اجرای آن، ضرورت بازنگری را در کانون توجه‌ها قرار داد. زمان آن بود که واضعان نخستین قانون مزبور، طرحی نو دراندازند. لیکن گردش ایام از آن خیل مدونین و طراحان، چهره‌ای مضیق‌تر فراروی اشخاص موثر در بازنگری قرار داد. بسیاری از آن پدیدآورندگان قانون اساسی ۱۳۵۸، اسیر ترورهای ناجوانمردانه گشته بودند، برخی دیگر حذف شده بودند و برخی چون حزب توده که در میان گروه‌های چپ نقش‌آفرینی بسیاری داشت، به کل از هم پاشیده بود. برهه‌ای حساس که بی‌همرمان دیروزی برپا شده بود. به وضوح اشخاص

^۱ هاشمی، سیدمحمد، «بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

مختلفی در این برهه نقش‌آفرینی نمودند که البته همگی از طیف اسلام‌گرا بودند. طبعاً اگر تمایز و تعابیری نیز در این گروه‌ها مشاهده می‌شد یک بحث درون‌گروهی بود.

در قانون اساسی ۱۳۵۸ به دلایل خاص هیچ‌گونه سازوکاری برای بازنگری پیش‌بینی نشده بود. البته در اصل ۱۴۸ پیش‌نویس قانون اساسی که به مجلس خبرگان داده شده بود این امر پیش‌بینی شده بود ولی اصل پیشنهادی به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی نرسید^۱ و بدین ترتیب موضوع بازنگری قانون اساسی مسکوت ماند. برخی محققین عواملی چون بی‌توجهی، تازه‌کار بودن نیروهای انقلابی، شرایط ناشی از عدم استقرار همه‌جانبه و کامل نظام و عدم تمایل آن‌ها به تغییر را علت این کاستی دانسته‌اند.^۲ به نظر یکی از محققین که خود عضو شورای بازنگری بوده است، «مسکوت گذاشتن امر تجدیدنظر ناشی از این بود که قانون اساسی را از دستبرد، هواوهوس‌های گروه‌ها و خواسته‌های زودگذر و جریان‌های بحرانی آن جامعه و تبوتاب‌های مقطعی دور نگه دارند»^۳.

به هر حال با پایان جنگ هشت ساله، فرصت مناسبی پدید آمد تا دست‌اندرکاران کشور نگرشی مجدد به قانون اساسی داشته باشند. اما راه‌حلی قانونی که در متن قانون اساسی تصریح شده باشد، وجود نداشت و باز به نظر می‌رسید که رهبری انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، می‌بایست با بهره‌وری از اختیارات ناشی از ولایت مطلقه و محبوبیت و مقبولیت مردمی خود، دست به یک اقدام فراقانونی بزند تا گره ناگشوده باز و بن‌بست‌های قانونی، مرتفع گردد.^۴ اما ایشان فی‌البداهه و از نزد خود دست به چنین کاری نزدند، بلکه هنگامی دست به این اقدام زدند که حکم بازنگری قانون اساسی مسبوق به دو نامه‌ای شد که مجلس شورای ملی و شورای عالی قضایی به ایشان نوشتند و در آن ضمن مشورت‌دهی با لسانی صریح خواستار بازنگری در

^۱ صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد چهارم، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴، ص ۲۰.
^۲ مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی، جلد پنجم، انتشارات سروش، چاپ نخست، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵.

^۳ عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد نخست، انتشارات امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۸، ص ۴۴۸.
^۴ فوزی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، جلد دوم، نشر عروج، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲.

قانون اساسی شدند.^۱ امام خمینی (ره) نیز در تاریخ چهارم اردیبهشت ۱۳۶۸ طی حکمی به رییس جمهور وقت دستورهای لازم را در مورد شورای بازننگری، شیوه بازننگری و موضوعات مورد بازننگری صادر کردند.^۲

امام خمینی (ره) محدوده‌ی مسائل مورد بحث را بدین شرح اعلام نمودند:

- ۱- رهبری
- ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه
- ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضاییه
- ۴- تمرکز در مدیریت صداوسیما در صورتی که قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشند
- ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ۶- مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد
- ۷- راه بازننگری در قانون اساسی
- ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.

به هر حال، مشروح فعالیت و ویژگی‌های شخصی اعضای شورای بازننگری قانون اساسی نشان می‌دهد جریان‌های فکری و سیاسی ناهم‌گونی به تدریج بر فضای شورای بازننگری چیره

^۱ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۸، ص ۱۰.

^۲ در مقدمه‌ی این دستور آمده است: «از آن‌جا که پس از کسب ده سال تجربه‌ی عینی از اداره امور کشور، اکثر مسئولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده‌اند که قانون اساسی با این که دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه به آن توجه نشده است، ولی خوش‌بختانه مساله‌ی متمیم قانون اساسی پس از یکی دو سال مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جامعه‌ی اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تاخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای انقلاب و کشور گردد و من نیز بر احساس و تکلیف شرعی و ملی خود از مدت‌ها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می‌گردید؛ اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه‌الله (روحی‌له‌الفداء) نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه‌جانبه‌ی خود را در پیش گرفته است، هیاتی را برای رسیدگی به این اصولی که ذکر می‌شود، تعیین می‌کنم تا تأیید آن را به آرای عموم مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.»

می‌شده و نخبگان تجدیدنظر کننده را به چالش‌های گوناگون می‌کشانده است.^۱ برخی از اصطلاح «پهن شدن سفره اصلاح قانون اساسی» و «معلوم نبودن آن‌چه که از اصلاح قانون اساسی» برمی‌آید سخن گفته و مخالفت خود را علنی کرده بودند.^۲ برخی دیگر بر این باور بودند که پیشنهاد بازنگری قانون اساسی برای حذف آیت‌الله منتظری و حذف شرایط مرجعیت به طور هم‌زمان بوده است ولی اذعان عضو شورای بازنگری قانون اساسی مبنی بر این که «این هم تهمت است» آن را رد می‌کند.^۳ برخی نیز گفته‌اند تنظیم اصول مربوط به ریاست جمهوری در جریان بازنگری قانون اساسی دقیقاً به نفع نفراتی بوده است که بدون درنگ پس از فوت امام خمینی و پروسه‌ی اصلاح قانون اساسی عهده‌دار آن مقام شده بودند ولی خاطره‌گویی عضو فوق‌العاده موثر شورای بازنگری نسخه‌ای دیگر می‌پیچاند: «این که در بازنگری این کارها شده درست است ولی در گفتن اهداف دروغ پرداری می‌کنند».^۴ به هر روی و همان‌طور که گذشت در بازنگری قانون اساسی، نقش آفرینی احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف این بار جای خود را به افراد و اشخاص درون یک جریان سیاسی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

آن‌چه از مطالعه و تبیین نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در روند تدوین قانون اساسی آشکار می‌گردد این است که مشارکت جریان‌های سیاسی و اجتماعی هر چند در بدو امر جلوه‌ای پر فروغ داشته، لیکن با گذشت زمان رنگ باخته است. بعضی از این جریان‌ها و احزاب سیاسی در راه دیگری قدم نهاده و خود را از تاثیرگذاری در این روند محروم کردند و برخی دیگر به دلیل مسائل جنگ و وضعیت سیاسی ناشی از آن که شرایط دیگری را ایجاد می‌نمود از این قافله بازماندند. علی‌رغم این موارد، کیفیت اعضا و مذاکرات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی

^۱ نک. خلیلی، محسن، «تاریخ شفاهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طرحنامه تدوین و بازنگری»، مجله حقوق عمومی، شماره نخست، مرداد ۱۳۸۵، ص ۷۴.

^۲ منتظری، حسینعلی، بخشی از خاطرات فقیه و مرجع عالیقدر آیت‌الله منتظری، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳.

^۳ هاشمی رفسنجانی، پیشین، ص ۱۲۶.

^۴ همان، ص ۱۳۱.

بیان‌گر وجود دیدگاه‌های متفاوتی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی بعضاً ناهم‌گونی بوده که حتی در کلیات و اصلی‌ترین اصول قانون اساسی سر ناسازگاری افراشتند. هر کدام از این گروه‌ها نیز انتظارات خاص خویش را از قانون اساسی پیش رو داشتند و روشن بود جمع کردن این تقاضاها و مصالحه بین نیروهای اجتماعی و ملحوظ داشتن تمام این خواسته‌ها در قانون اساسی به نحوی که همه‌ی گروه‌های سیاسی را اقناع کند، کمی دور از دسترس می‌نمود. البته واضح و مبرهن است آن تکثر و تغایر در تدوین قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در یک دهه بعد از آن و بازنگری قانون اساسی کم فروغ گردیده که روند مذاکرات بازنگری و اجماع حاصله در اصولی که پیش‌تر محل تردید بود، مبین آن است. با وجود این، نکته‌ی مهم میزان این تاثیرگذاری‌ها بود. بی‌گمان گفته‌ها و سخنان افراد حاضر درون مجلس خبرگان و بیرون آن، از گروه‌های مختلف به نوعی شاخص‌ترین معیار برای سنجش عملکرد آن‌ها در قبال پاس‌داشت از حقوق ملت است. عملکرد اشخاصی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی در جهت تجمیع و همراه ساختن گروه‌های مختلف به منظور استقرار و تصویب یک قانون اساسی متعالی قابل مقایسه با عملکرد گروه‌های رادیکالی چون مجاهدین که سبقه‌ی کارکردی سه دهه فعالیت آن‌ها جز تخریب، هیچ عاید مفیدی به همراه نداشتند، درس‌های فراوانی از تاریخ را برای نسل جدید به همراه دارد. حتی عملکرد بعضی از احزاب چپ نظیر حزب توده که عضوی در مجلس خبرگان نیز نداشتند، بیشتر از برخی از اشخاص خنثی یا غیر مبتکر موجود در مجلس خبرگان بود.

به هر رو، در سه مرحله‌ی تدوین پیش‌نویس، تصویب و بازنگری آن، اشخاص، احزاب و گروه‌های متعدد و گوناگونی حضور داشتند که ذکر تمامی آن‌ها از حوصله‌ی بحث خارج است. از میان آن‌ها در این پژوهش به سه دسته‌ی اصلی می‌توان اشاره کرد؛ گروه‌های چپ، اسلام‌گراها و ملی‌مذهبی‌ها. همان‌طور که اشاره شد در شکل‌گیری قانون اساسی به شکلی که به وهله‌ی تصویب رسید، نقش گروه‌های موسوم به «ملی‌مذهبی‌ها» پررنگ است. گروه‌های چپ نیز در اعمال نفوذ و اثرگذاری بر روند تصویب قانون اساسی و البته تهیه‌ی پیش‌نویس هرچند غیر مستقیم موثر بودند. اما گروه‌ها و شخصیت‌های اسلامی نظیر حزب جمهوری و اعضای آن قطعاً بیشترین تاثیر را در تصویب و به ویژه بازنگری قانون اساسی داشته‌اند.

منابع

۱. اشکوری، حسن، نوگرایی دینی؛ گفت‌وگو با مهندس مهدی بازرگان، تهران: نشر قصیده‌سرا، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۲. افروغ، عماد؛ و صالحی، علی محمد، «تبلور آرمان‌های پایه‌گذاران انقلاب در قانون اساسی» (امام خمینی، شریعتی، بازرگان و طالقانی)، فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه الزهرا (س)، شماره‌های ۴۴ و ۴۵، زمستان ۱۳۸۱.
۳. اکبری، کمال، «نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۸.
۴. باپایور، محمدمهدی، گفتمان‌های فقهی سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، به راهنمایی احمد دوست‌محمدی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۸.
۵. باقی، مریم، «تابویی که شکسته شد»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰.
۶. بنی‌صدر، مسعود، خاطرات یک شورشی ایرانی، ترجمه فرهاد مهدوی، پاریس: انتشارات خاوران، چاپ نخست، ۱۳۸۴ (۲۰۰۵).
۷. بهروز، مازیار، شورشیان آرمان‌خواه، ناکامی چپ در ایران، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۹۲.
۸. جعفری، محمدمهدی، «رویکرد سوسیال دموکراسی آیت‌الله طالقانی»، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۱۰۵، دی ۱۳۸۷.
۹. جعفری، محمدمهدی، «طالقانی، احیاگر نواندیشی دینی»، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۷۸، مهر ۱۳۸۵.
۱۰. خلخالی، صادق، خاطرات آیت‌الله خلخالی، جلد نخست، تهران: نشر سایه، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۷.
۱۱. خلیلی، محسن، «تاریخ شفاهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طرحنامه تدوین و بازنگری»، مجله حقوق عمومی، شماره نخست، مرداد ۱۳۸۵.
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۱۳. خواجه‌سروی، غلامرضا، «رابطه دین و سیاست در اندیشه مهندس بازرگان»، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۵.

۱۴. سحابی، عزت‌الله، «پس از ۵۷، از مجموعه خاطرات مهندس عزت‌الله سحابی»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۲، خرداد ۱۳۹۰.
۱۵. سحابی، عزت‌الله، ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادین ملی، تهران: انتشارات گام نو، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۱۶. سحابی، عزت‌الله، نیم قرن خاطره و تجربه، جلد نخست، تهران: نشر فرهنگ صبا، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۷. شیرخانی، علی، «نظام شورایی در اندیشه آیت‌الله طالقانی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۰.
۱۸. صدر حاج سیدجوادی، احمد، «پیش‌نویس قانون اساسی دموکراتیک‌تر بود»، مصاحبه هومان دوراندیش با صدر حاج سیدجوادی از تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی، نشریه گزارش، شماره ۲۱۵، بهمن ۱۳۸۸.
۱۹. صفاریان، غلامعلی؛ و معتمد دزفولی، فرامرز، سقوط دولت بازرگان، تهران: شرکت انتشارات قلم، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲۰. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد چهارم، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴.
۲۱. ضابط‌پور، غلامرضا، «ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران معاصر (مطالعه موردی حزب توده و حزب اراده ملی)»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره نخست، زمستان ۱۳۸۰.
۲۲. عباس‌زاده، مسعود، «جایگاه رأی و نظر مردم در اندیشه‌های امام خمینی(ره)»، از کتاب نظارت استصوابی، تهران: نشر افکار، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۲۴. غفاری، مسعود؛ و محمدزاده، علی، «حکومت در اندیشه سیاسی مهدی بازرگان»، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۰، بهار و تابستان، ۱۳۸۵.
۲۵. غنی‌نژاد، موسی، «بازرگان محافظه‌کار بود، نه لیبرال»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۸، دی ۱۳۹۰.

۲۶. فوزی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، جلد دوم، نشر عروج، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲۷. فوزی، یحیی، «استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی»، نشریه پژوهشنامه متین، شماره ۳۴ و ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۲۸. قاسمی، علی، «بحران دین‌داری و آسیب‌شناسی آن در جامعه ایرانی»، از کتاب مجموعه مقالات نقد و بازاندیشی گفتمان دینی در بزرگداشت مهندس مهدی بازرگان، تهران: انتشارات قلم، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
۲۹. قلفی، محمدرحیم، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: نشر عروج، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۳۰. کاتوزیان، ناصر، گامی بسوی عدالت، جلد نخست، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
۳۱. کاتوزیان، ناصر، «جمهوری چگونه اسلامی شد؟»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۸، دی ۱۳۸۹.
۳۲. کاتوزیان، ناصر، «گذری بر تدوین اولین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق اساسی، شماره نخست، پاییز ۱۳۸۲.
۳۳. کیانوری، نورالدین، گفت‌وگو با تاریخ (مصاحبه)، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۰.
۳۴. گرگی، علی‌اکبر، «سه مرحله ضروری در بازنگری قانون اساسی» (گفت‌وگو)، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰.
۳۵. گرگی، علی‌اکبر، «تکمیل پروسه ناتمام مشروطه ایرانی»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۸، دی ۱۳۸۹.
۳۶. مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی، انتشارات سروش، چاپ نخست، ۱۳۶۷.
۳۷. مسعودنیا، حسین؛ و شکرنوری، اصغر، «تجزیه و تحلیل نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی ایران، از تشکیل شورای انقلاب اسلامی (۲۲ دی ۱۳۵۷) تا استعفای بازرگان (۱۴ آبان ۱۳۵۸)»، نشریه پژوهش‌های سیاسی، شماره نخست، پاییز ۱۳۹۰.
۳۸. مظفر، محمدجواد، اولین رییس جمهور، پنج گفت‌وگو درباره اولین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات کویر، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۳۹. منتظری، حسینعلی، بخشی از خاطرات فقیه و مرجع عالیقدر آیت‌الله منتظری، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۹.
۴۰. مهدی‌زاده، علی، «بسترهای شکل‌گیری ۳۰ خرداد ۱۳۶۰»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸.
۴۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸؛ انقلاب و پیروزی، به اهتمام عباس بشیری، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۴۲. هاشمی، سیدمحمد، «بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۶۹.
۴۳. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات میزان، چاپ پنجم، جلد نخست، ۱۳۸۱.
44. Jahanbakhsh, Forough, "Islam, Democracy and Religious Modernism in Iran", from: Bazargan to Soroush, Leiden publication, Boston, First edition, 2001.
45. Lachmayer, Konrad, "Constitutional Reasoning as Legitimacy of Constitutional Comparison", German Law Journal, University of Vienna, Department of Constitutional and Administrative Law, Vol. 14, No. 8, 2013.
46. Lombardi, Clark B., "Designing Islamic Constitutions: Past Trends and Options for a Democratic Future", Forthcoming in International Journal of Constitutional Law, University of Washington, School of Law, Legal Studies Research Paper, No.18, 2013.
47. Machnyikova, zdenka & Hollo, Lanna, "The Principles of Non-discrimination and Full and Effective Equality and Political Participation", from: Political Participation of Minorities, edited by Marc Weller, Katherine Nobbs, Oxford University Press, First publication, 2010.
48. Sanasarian, Eliz, "An Analysis of Fidai and Mojahedin Positions on Women's Rights", from: Guity Nashat (editor), Women and Revolution in Iran, Bowder, Colorade, Westview Press, First publication, 1983.